

درس نهم:  
مواد سخنرانی



گروه علمی مهارت‌های خطابی  
پژوهش و تدوین: حسین ملانوری

## درس نهم

اهداف این درس

۱. شناخت نمونه‌های دیگری از مواد سخنرانی و هدف و جایگاه استفاده از

آنها؛

۲. فراگیری روش جمع‌بندی مباحث در سخنرانی به اقتضای مواد سخن.

\* \* \*  
رتیل جامع علوم انسانی \* \* \*

در درس هشتم، پس از تقسیم مواد سخنرانی به اشرف مواد و سایر مواد، بیان کردیم که سایر مواد سخنرانی به دو هدف، استفاده می‌شوند. هدف اول «توضیح و تبیین مفاهیم نظری و تطبیق آنها با واقعیات عینی» بود. گفتیم بدین منظور از موادی مثل: تاریخ، سیره بزرگان، حکایت، داستان، قصه و داستان‌واره می‌توان استفاده کرد.

در این درس، ضمن بیان تفاوت داستان، قصه و داستان‌واره، نمونه‌های دیگری را از سایر مواد مؤثر در ملموس‌ساختن مطالب دینی و توضیح و تبیین آنها معرفی می‌کنیم. سپس به هدف دوم از ارائه سایر مواد در سخنرانی می‌پردازیم.

#### تفاوت داستان، قصه، و داستان‌واره

واژه‌های داستان، قصه و داستان‌واره، گاهی به جای یکدیگر استفاده می‌شوند؛ ولی با نگاه دقیق‌تر می‌توان تفاوت‌های آنها را ملاحظه کرد.

تفاوت قصه و داستان در این است که در قصه معمولاً وقایع به ترتیب زمانی پشت سر هم نقل می‌شود؛ اما در داستان، اغلب زمان نقل وقایع در پی هم نمی‌آید. در داستان می‌توان عقربه زمان را پیش و پس برد، هر چند نمی‌توان وجود زمان را نادیده گرفت.<sup>۱</sup>

تفاوت قصه و داستان‌واره در دو چیز است:

۱. قصه بر نقل و روایت استوار است؛ ولی داستان‌واره توجهی به نقل و روایت نداشته و به توصیف و ترسیم می‌پردازد.
۲. بنیاد قصه بر حوادث خلق الساعة و خارق العاده گذاشته شده است؛ ولی در داستان‌واره، حوادث و خصوصیات شخصیت یا اوضاع و احوالی توصیف می‌گردد.<sup>۲</sup>

تفاوت داستان با داستان‌واره در این است که تأکید داستان‌واره بر چگونگی چیزی، مکانی و یا شخصی است و واقعه، صحنه و یا شخصیت واحدی را

۱. عناصر داستان، جمال میرصادقی، انتشارات سخن، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۴ و ۳۵.

۲. ادبیات داستانی، جمال میرصادقی، انتشارات علمی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۲، ص ۳۴۴.

توصیف می‌کند و بیان توصیفی دارد؛ ولی داستان بر آنچه وقوع یافته یا واقع خواهد شد تأکید می‌ورزد و بیان روایتی دارد.

داستان‌واره غالباً گرد محور صحنه مجرد یا شخصیت مجردی می‌گردد و خصوصیات آنها را توصیف می‌کند؛ صحنه یا شخصیتی که خصوصیات ممتاز و جالب توجهی داشته باشد.

داستان روایت عمل است و اغلب از خصوصیت پویایی برخوردار است؛ اما داستان‌واره توصیف چگونگی است و خصوصیت ایستایی دارد. مثلاً در داستان‌واره هر بار که حادثه‌ای برای شخص اتفاق می‌افتد، واکنش یکسانی از او سر می‌زند؛ ولی در داستان، هر حادثه‌ای موجب تحول یا تغییری در شخصیت اصلی می‌شود. مثلاً مردی از مرگ پسرش غم‌زده است. اگر در طول زمان دگرگونی و تغییری در حالت روحی او پیدا شود، یعنی غمش از میان برود یا تعدیل شود، یک داستان خلق شده است.<sup>۱</sup>

#### ● تشبیه

تشبیه در لغت به معنای چیزی را به چیز دیگر مانند کردن، شبیه کردن، و مانند کردن چیزی به چیز دیگر در صفتی آمده است.<sup>۲</sup> تشبیه چهار رکن دارد:

الف. مشبه، یعنی چیزی که آن را تشبیه کنند.

ب. مشبه‌به، یعنی چیزی که مشبه را به آن مانند کنند.

ج. وجه شبه، یعنی امری که میان مشبه و مشبه‌به مشترک است.

۱. همان، ص ۳۴۳ - ۳۴۴.

۲. فرهنگ فارسی، دکتر محمدمعین، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهاردهم، تهران، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۰۸۴.

د. ادات تشبیه، یعنی کلماتی که دال بر تشبیه است، مانند: مثل، چون، همچون، همان، همانند، مانند و ...<sup>۱</sup>

در تشبیه مشبّه و مشبّه‌به در خارج و یا در ذهن وجود دارند؛ مثل تشبیه سخنرانی به آشپزی که هر دو وجود خارجی دارند. تشبیه امور معنوی و معقول به امور حسّی می‌تواند آن واقعیت معنوی و معقول را برای مخاطب روشن سازد؛ مثل این تشبیه: «الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ»<sup>۲</sup> حسد، ایمان را از بین می‌برد، همان‌گونه که آتش، هیزم را می‌خورد.

یکی از موارد کاربرد تشبیه، استفاده از تجربه‌های شخصی است. گاهی سخنوران، موضوع بحث را به تجربه‌ای شخصی از خود تشبیه و به آن استناد می‌کنند. استفاده از تجربه شخصی، محاسنی مثل ملموس کردن بحث را دارد؛ ولی باید دقت کرد که از یک تجربه شخصی، قاعده کلی استخراج نشود.

#### ● مثال فرضی

مثال در لغت به معنای مانند، شبیه، همانند، کلمه یا عبارتی که برای توضیح مطلبی یا قاعده‌ای آورده شود و ... آمده است.<sup>۳</sup> و فرض به معنای تصویر کردن، تصور، پنداشت، حدس اثبات نشده متکی بر یک سلسله حقایق که در توضیح بسیاری از امور بکار می‌رود<sup>۴</sup> و ... می‌باشد.

در مثال فرضی، چیزی به چیز دیگری تشبیه نمی‌شود؛ بلکه در واقع، تصور یک چیز است که فعلاً وجود خارجی ندارد و فرض می‌گیریم که وجود داشته

۱. همان.

۲. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳. فرهنگ فارسی، دکتر محمدمعین، ج ۳، ص ۳۸۵۲.

۴. همان، ج ۲، ص ۲۵۱۹.

باشد؛ مثل اینکه به مخاطب بگوییم فرض کنید اکنون ماه مبارک رمضان است، یا اکنون در مکه مکرمه کنار کعبه ایستاده‌ایم، یا فرض کنید الان کنار مرقد مطهر ابا عبدالله الحسین علیه السلام در حال زیارت هستید.

### ● ضرب المثل

«ضرب المثل کلامی است خردمندانه و اندرزگونه، اما کوتاه و گویای بخشی کوچک از فرهنگ یک جامعه. زیبایی ترکیب و کوتاهی کلام، مثل را دلنشین کرده و در شنونده اثر می‌کند. هر چند مثل‌ها دارای تاریخ و نقطه شروعی‌اند، آغاز بسیاری از آنها برایمان ناشناخته است. مثل‌ها بیشتر از سروده‌های شاعران یا سخنان حکما گرفته شده‌اند.»<sup>۱</sup>

ضرب‌المثلها به دلیل جاری بودن بر زبان مردم مباحث را در ذهن مخاطب ماندگار کرده، قدرت بیان و انتقال مطالب را در او افزایش می‌دهند؛ مثلاً اگر بحث درباره رفتار ناشایست با دیگران و مشکل‌سازی برای آنان است، می‌توان در نهایت به این جمله منتقل شد که: «بد مکن که بد افتی، چه مکن که خود افتی.»<sup>۲</sup>

یا اگر بحث درباره باطل کردن صدقات با منت است، می‌توان آن را با این ضرب‌المثل بیان کرد که: «نکویی گر کنی منت منه زان / که باطل شد ز منت جود و احسان» یا «عطای کریمان بود غیر ممنون» و «بده و منت منه.»<sup>۳</sup>

۱. ضرب المثل‌های مشهور (فارسی - انگلیسی)، فرشید اقبال، انتشارات سبکباران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲.

ص ۳.

۲. فرهنگ امثال القرآن و معادلهای آن در زبان فارسی، سید محمد رضوی، شرکت چاپ و نشر بین‌المللی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۹۶.

۳. همان، ص ۱۹۷.

مثلهای فراوانی همچون «خفته را خفته کی کند بیدار»، «دوصد گفته چون نیم کردار نیست»،<sup>۱</sup> «چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن»،<sup>۲</sup> «گر صبر کنی زغوره حلوا سازی»<sup>۳</sup> می‌تواند برای تبیین مطالب مورد توجه قرار گیرد.

### ● لطیفه

لطیفه در لغت به معنای گفتاری نغز، مطلبی باریک و نیکو، بذله، شوخی، نکته باریک، اشارت دقیقی - که از آن معنایی در ذهن خطور کند که آن را نتوان تعبیر کرد<sup>۴</sup> - آمده است.

لطیفه روایت داستانی مفرح و کوتاهی است درباره شخصی یا حادثه‌ای یا وضعیت و موقعیتی.

بنیاد لطیفه بر پیوند حلقه‌های واقعی و تصادفی حادثه‌ای استوار است و از پیوستن این حلقه‌ها به یکدیگر تکوین و تحقق می‌یابد و اگر یکی از این حلقه‌ها، وظیفه خود را انجام ندهد، شیرازه‌اش از هم می‌پاشد. حلقه پایانی لطیفه موجب شگفتی و خنده می‌شود و اگر این حلقه نباشد، لطیفه به وجود نمی‌آید. از نظر محتوا، لطیفه به وقایع نادر و استثنایی و اشخاص معروف و شناخته شده بیش‌تر توجه دارد.<sup>۵</sup>

۱. ضرب المثل‌های مشهور (فارسی - انگلیسی)، فرشید اقبال، ص ۵.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۳، لغت لطیفه.

۵. عناصر داستان، جمال میرصادقی، ص ۲۲۰. به عنوان مثال آورده‌اند: پیامبر ﷺ در جمع اصحاب و انصار نشسته بودند و پای مبارکشان خسته شده بود؛ ولی با توجه به حیا و ادب بسیار بالایی که داشتند، پای مبارک را دراز نمی‌کردند. پس از گذشت لحظاتی، یک پایشان را دراز کردند و از حاضران پرسیدند: «این

### جمع‌بندی با عبارات ویژه و ماندگار

یکی از اهداف به‌کارگیری سایر مواد، جمع‌بندی مطالب با عبارات ویژه و ماندگار است، با این توضیح که گاهی سخنران، پس از توضیحات مبسوط دربارهٔ یک مطلب می‌خواهد آن را جمع‌بندی کرده، از بحث خود نتیجه بگیرد.

این جمع‌بندی و نتیجه‌گیری در پایان هر مطلب بسیار مناسب و تأثیرگذار است و سبب ماندگاری بحث در ذهن مخاطب و قابلیت بیان پیدا کردن توسط او می‌شود؛ مثلاً اگر سخنران درباره سه مطلب سخن می‌گوید، در پایان هر مطلب، بحث خود را جمع‌بندی می‌کند. در پایان سخنرانی نیز باید سه مطلب خود را جمع‌بندی کند تا کاملاً بحث روشن باشد.

جمع‌بندی را به دو صورت می‌توان انجام داد: یکی همان شکل معمول است که با عبارات کوتاهی در یکی دو دقیقه مباحث گذشته مرور می‌شود و راه دوم - که مناسب‌تر است - استفاده از عبارات ویژه است. منظور از عبارات ویژه، جمله‌های کوتاهی است که به دلیل معمولاً بر زبان مردم جاری است یا در مقابل دید آنها قرار می‌گیرد و یا تکرارشان باعث ماندگاری پیام در ذهن مخاطب می‌شود.

بدین منظور در پایان هر مطلب مهم و یا در پایان سخنرانی، مباحث گذشته در یک جمله ویژه جمع‌بندی و ارائه می‌شود؛ مثلاً اگر بحث درباره کار و تلاش

---

→ پای من، به چه چیزی شبیه است؟» هر یک از حضار، به مقتضای ذوق و سلیقه خود، تشبیهاتی کردند و پیامبر هیچ یک را نپذیرفت. گفتند: «با رسول الله! خودتان فرمایید که پای مبارکتان شبیه به چیست؟» حضرت، تبسمی کرد. و پای دیگرشان را نیز دراز کرده و فرمودند: «آن پای من به این پیام شبیه است.» (لطیفه‌های تلخ و شیرین از مردمان اهل دین، مصطفی درویش، انتشارات سیاره، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۱۹)

بوده و اینکه تا انسان تلاش نکند به جایی نمی‌رسد، می‌توان مباحث را در این شعر کوتاه - که معمولا هم بر زبانها جاری می‌شود - جمع کرد که «ناپرده رنج گنج میسر نمی‌شود/ مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد».

اگر این جمله را به عنوان خلاصه سخن در پایان سخنرانی چند بار تکرار کنیم و یادآوری کنیم که خلاصه بحث ما همین بوده است، هم مخاطبان، بحث را بهتر می‌گیرند، هم می‌توانند آن را برای دیگران منتقل کنند و هم این پیام، ماندگار می‌شود.

همچنین برای توجه بیش‌تر مخاطب، گاهی خلاصه بحث در قالب یک عبارت ویژه در طول سخنرانی، تکرار می‌شود و هر چند دقیقه یکبار آن جمله بر زبان جاری می‌شود؛ یعنی در حقیقت، جمع‌بندی بحث را به صورت تکراری در جای جای سخنرانی می‌آوریم.

برای جمع‌بندی مباحث و به هدف انتقال از عبارات گوناگون و توضیحات مبسوط به عبارات ویژه و خاص، می‌توان از موادی مثل نقل قول بزرگان، ضرب‌المثل، شعر، سخنان حکمت‌آمیز و نغز، و جملات ویژه شرطیه و استفهامیه استفاده کرد. البته این‌گونه مواد برای تبیین و ملموس‌سازی مباحث نظری نیز به کار می‌آیند و از سوی دیگر استفاده از آنها موجب تنوع در سخنرانی و ایجاد جذابیت و زیبایی هم می‌شود؛ از اینرو ذکر آنها تحت عنوان «جمع‌بندی با عبارات ویژه»، به این دلیل است که موارد دیگری که قبلا بیان شد، کارکرد جمع‌بندی را ندارند.

#### ● نقل قول بزرگان

نقل قول بزرگان در حقیقت، نقل کلمات مناسب و برجسته‌ای از بزرگان دینی یا علمی، تاریخی، سیاسی، هنری و ادبی است. در اینجا شاید خود سخن، خیلی مهم نباشد؛ ولی شخصیت گوینده آن برای شنونده بسیار اهمیت دارد و به



همین سبب بر مخاطب، اثرگذار است. البته ممکن است سخن فرد بزرگی هم مطرح شود که خود سخن نیز مهم باشد.

برای نمونه اگر بحث درباره تلاش کردن برای رفتن به بهشت است، می‌توانیم آن را با این سخن مرحوم شهید بهشتی جمع کنیم که «بهشت را به بها دهند نه به بهانه». و اگر بحث در این باره است که همه جهان تحت اشراف و علم خداوند است، و از این رو تمام حرکات ما را می‌بیند، می‌توانیم بحث را در این جمله جمع کنیم که امام راحل علیه السلام فرمود: «عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت نکنید.»

#### ● شعر

بعضی از اشعار جالب ولی کوتاه در میان مردم رایج هستند و مردم از قدیم - چه عوام و چه خواص - آنها را در هر مناسبتی می‌خوانند. اگر مباحث خود را با این گونه اشعار زیبا، پرمعنا و کوتاه مزین کنیم، بهتر در ذهن مخاطب می‌ماند؛ مثلاً اگر بحث ما در این باره است که انسان با دانش به قدرت می‌رسد، می‌توان آن را در این شعر جمع کرد که «توانا بود هر که دانا بود / ز دانش دل پیر برنا بود».

البته استفاده از شعر، منحصر به جمع‌بندی مطالب نیست؛ بلکه برای ارائه نظریه‌های دینی مبتنی بر قرآن و حدیث و ... نیز به کار می‌آید و در واقع یک قالب برای بیان داستان، حکایت، داستان‌واره و مطالب دیگر است.

#### ● سخنان حکمت‌آمیز

حکمت در لغت به معنای عدل، علم و دانش، حلم و بردباری، راستی و درستی، کلام موافق حق، پند و اندرز، معرفت حقایق اشیا به قدر طاقت بشری، فلسفه، انجام عملی که پسندیده باشد و ... آمده است.<sup>۱</sup>

۱. فرهنگ لغت، محمد معین، ج ۱، واژه حکمت.

منظور از سخنان حکمت‌آمیز، سخنان دلنشینی است که از سر دانش و خردمندی سرشته شده و ناشی از معرفت به حقایق اشیا و امور است. در اینجا خود سخن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، گرچه گوینده آن هم انسان به ظاهر دانشمندی نباشد. البته اگر گوینده نیز از عالمان متشخص بود، تأثیرگذاری سخن بیش‌تر خواهد شد.

### ● جملات استفهامیه و شرطیه

برخی از جملات شرطیه و استفهامیه می‌توانند در سخنرانی چندین بار تکرار شوند. در واقع به جای اینکه خلاصه سخن در پایان بحث در یک جمله کوتاه، جذاب و ماندگار بیان شود، یک جمله شرطیه یا استفهامیه در طول سخنرانی چندین بار تکرار می‌شود تا کاملاً در ذهن مخاطب بماند.

مهم در این گونه جملات ویژه، تکرار آنهاست؛ مثلاً در موضوع «لزوم مبارزه با استکبار جهانی»، ممکن است پس از بیان هر آیه یا داستان یا... و توضیح درباره آن، این جمله تکرار شود که «آیا مبارزه با استکبار جهانی، واجب نیست؟» و یا اگر پیام و محور اصلی بحث ما «فراوانی نعمت در سایه شکر نعمت» است، این جمله تکرار شود که: «اگر شکر نعمت کنیم، نعمتها فراوان می‌شود.» این‌گونه جملات ممکن است حکمت‌آمیز و نغز نیز نباشند؛ اما اگر چنین بودند، تأثیرگذاری بیش‌تری دارند.

در قرآن کریم آیه **﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾**<sup>۱</sup> که یک جمله استفهامیه است

چندین بار در یک سوره تکرار شده است. می‌توان همین جمله را نیز در یک

سخنرانی تکرار کرد و همین طور می‌توان جمله «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»<sup>۱</sup> که استفهامیه است و یا «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»<sup>۲</sup> را که شرطیه است و امثال آنها را به تناسب موضوعات در سخنرانی تکرار کرد.

### یک نکته

در قرآن و روایات از داستان، شعر، سخن حکیمانه، تمثیل و... فراوان استفاده شده است. برای تبیین و توضیح و ملموس کردن مباحث نیز می‌توان و بهتر است که از مطالب قرآنی و روایی استفاده شود.

همچنین برای جمع‌بندی مطالب در عبارات ویژه و خاص و عنوانهای جذاب و ماندگار، می‌توان از سخنان حکیمانه، ضرب‌المثلهای، اشعار و جملات استفهامیه و شرطیه موجود در قرآن و روایات بهره برد؛ مانند: کلمات قصار امام علی علیه السلام، سخنان حکیمانه لقمان حکیم و... در این صورت برای تبیین مباحث و یا جمع‌بندی آنها نیز از اشرف مواد استفاده کرده‌ایم و سخنرانی خود را از غنای دینی بیش‌تری برخوردار نموده‌ایم.

### پرسش‌نامه

۱. تفاوت داستان، قصه و داستان‌واره را بنویسید.
۲. تشبیه و مثال فرضی چه تفاوتی با هم دارند؟
۳. منظور از لطیفه به عنوان یکی از مواد سخنرانی چیست؟

۱. همان / ۶۰.

۲. ابراهیم / ۷.

۴. به منظور جمع‌بندی مباحث با عبارات ویژه و ماندگار از چه موادی می‌توان استفاده کرد؟
۵. به چه صورت‌هایی می‌توان سخنرانی را جمع‌بندی کرد؟ توضیح دهید.
۶. منظور از «سخن بزرگان» و «سخنان حکمت‌آمیز» چیست؟
۷. بین سخن بزرگان و سخنان حکمت‌آمیز، چه نسبتی وجود دارد؟
۸. چگونه از جملات استفهامیه و شرطیه برای جمع‌بندی مطالب استفاده می‌شود؟

### فعالیت پژوهشی

۱. با راهنمایی استاد خود، نمونه‌هایی از تشبیه، مثال فرضی، لطیفه، سخن بزرگان، ضرب‌المثل، شعر، سخنان حکیمانه، و جملات ویژه استفهامیه و شرطیه را در فیش تبلیغی بنویسید و در فرصت مناسب، درباره مناسب بودن و جایگاه استفاده از آنها تبادل نظر کنید.
۲. با استفاده از نظر اساتید خود و مراجعه به کتابخانه‌ها، منابع مفید و دقیق را برای استخراج مواد سخنرانی، لیست کنید تا پژوهش‌های بعدیتان در زمینه محتوای سخنرانی آسان شود.